



۵۴



فیلم ساز جوان اصفهانی در کوچه های شهر امام رضا (ع)
دنبال یافتن روایت هایی برای سینما و تلویزیون است

وقتی مشهد لوکیشن می شود

عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

طیبه روحانی که در میان سالی دست به قلم شد
تاکنون کتاب های متعددی را منتشر کرده است
سرمایه های پس از بازنشستگی

۶



۳

اهالی محله رازی از شیوه نام گذاری معابر
در بولوار اصلی این محدوده گلایه دارند
اندیشه شرقی یا غربی؟

۷

پرنیا بینایی، مجری و بازیگر شبکه استانی
از چالش های کارش می گوید
از حال شاد به غمگین

۹

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۸۵۹۶۴۰۸۵ در پیام رسان ایتا بفرستید.



● اهالی «شقایق» بر مزار لاله ها

نمازگزاران مسجد حضرت علی (ع) در محله شقایق، این بار برای غبارروبی، راهی مزار شهدای میدان نمایشگاه شدند. از آنجایی که تعدادی از شرکت کنندگان اصنامی دانستند در این مکان، پیکر شهدا دفن شده است، بعد از دیدن محل به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند. آن ها معتقد بودند شهدای این جا غریب هستند؛ برای همین پیگیرند که از این به بعد، بیشتر در این مکان معنوی حضور پیدا کنند. در این دیدار جمعی از بانوان محل حضور داشتند و باریختن گل و گلاب روی مزار شهدا آن را عطر افشانی کردند، سپس زیارت عاشورا خواندند.



● نمایشگاهی از عروسک های چوبی

فهمه شهری این روزها در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره ۱۰ محله لادن، نمایشگاهی از عروسک های چوبی دایر است. در این نمایشگاه، حدود هفتاد اثر عروسکی از انسان و حیوان وجود دارد که ساخته دست بچه هاست و آن ها را در کلاس های تابستانه با کمک مربی شان، سهراب خواجه نژاد، درست کرده اند. کارگاه چسب و چوب جزو کلاس های تابستانه تخصصی و رایگان کانون بود که در بعضی روزها تعداد حاضران در آن به شصت نفر می رسید. این آثار خلاقانه، فقط با شاخ و برگ درختان و چسب درست شده اند.

● جایزه برای «پاییز آمد»

مسجد حضرت زهرا (س) در محله سرافرازان به مناسبت هفته دفاع مقدس مراسمی همراه با پخش فیلم و اهدای جایزه برگزار کرد. در این برنامه از بین خوانندگان کتاب «پاییز آمد»، قرعه کشی و به آن ها جوایزی اهدا شد. حدود دو ماه پیش، چهارده جلد از این کتاب توسط هیئت امنای مسجد خریداری شد و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت. در این مدت، نزدیک دویست نفر این کتاب حوزه دفاع مقدس را مطالعه کردند و در این برنامه بینشان قرعه کشی شد. ادامه این برنامه با تماشای فیلم همراه بود و فیلم صیاد که روایت مجاهدت های شهید صیاد شیرازی است، برای حاضران پخش شد.

● آغاز ماه مهر با طعم مهربانی

اعضای دوام ثامن منطقه ۹ مهرماه را با کمک به دانش آموزان کم بضاعت حاشیه شهر شروع کردند. آن ها با کمک های خیرخواهانه شان، حدود سی بسته شامل اقلامی همچون کیف و لوازم تحریر تهیه کردند و در آغازین روزهای مهرماه، به دست دانش آموزان نیازمند رساندند. دررفت و آمدهایی که اعضای دوام ثامن منطقه ۹ به مناطق حاشیه شهر داشته اند، چندین خانواده کم بضاعت را شناسایی کرده اند و همین بهانه ای شده است که در مناسبت های مختلف از جمله عید نوروز، شب یلدا و... هدایایی را برای این خانواده ها تهیه کنند و به دستشان برسانند.



در نشست اعضای شورای اجتماعی محله گل دیس در مسجد امام زمان (عج) مطرح شد اولویت مقاومت سازی دیوار مدرسه «تذیب»

ریاحی انشست شهریورماه اعضای شورای اجتماعی محله گل دیس در مسجد امام زمان (عج) برگزار شد. اعضا در این برنامه، درباره موضوعات مختلفی از جمله پویش «مشهد مهربان» در حمایت از کودکان بازمانده از تحصیل، یادواره شهدای محله و وضعیت خطر آفرین دیوار مدرسه تذیب گفت و گو کردند. ارائه آموزش های شهروندی به منظور ارتقای آگاهی اهالی درباره بهداشت محله و پیگیری نام گذاری خیابان شهرستانی ۱۳ به نام شهید رجعی زاده از دیگر موضوعاتی بود که در نشست شورای اجتماعی محله گل دیس به آن پرداخته شد.



یادواره ای برای شهدای «خورشید»

به مناسبت هفته دفاع مقدس، مراسم یادواره شهدا با روایتگری حاج حسین فروغی، رزمنده و جانباز دفاع مقدس، همراه با غبارروبی و عطر افشانی مزار مطهر شهدای مدافع حرم، شهیدان اسدی و جهانی و با حضور اهالی محلات سرافرازان، هاشمیه و چهار چشمه در بوستان خورشید برگزار شد.

رفت و آمد ایمن تر اهالی

شهرداری منطقه ۹ از ایمن سازی مدارس شهید کفایش، بهشت، فرزین، رضوی در طرح استقبال از مهر امسال خبر داد. خط کشی عابر پیاده، نصب تابلو رفلکتور، نصب تابلو ترافیکی، سرعت گیر آسفالتی و تابلو خط نوشته در اطراف مدارس از جمله اقدامات ترافیکی شهرداری منطقه است که انجام شده است.

بسته های تحصیلی برای دانش آموزان

شورای اجتماعی محله رضا شهر اقدام به تهیه و توزیع بسته های نوشت افزار بین دانش آموزان نیازمند این محله کرد. این بسته ها شامل دفتر، خودکار، مداد، کیف و سایر ملزومات تحصیلی بود و بین ۱۵۰ نفر از دانش آموزان نیازمند این محله توزیع شد.



۹



اهالی محله رازی از شیوه نام‌گذاری معابر در بولوار اصلی این محدوده گلایه دارند

اندیشه شرقی یا غربی؟

رضاریاحی | «اندیشه شرقی یا اندیشه غربی؟» خیلی وقت‌ها اگر سراغ نشانی معابر فرعی بولوار اندیشه باشید، با این سؤال روبه‌رو می‌شوید. موضوع از این قرار است که شروع بولوار اندیشه تا چهارراه شهید هریری بخش مجزایی قلمداد شده است و معبر فرعی این محدوده به عنوان بولوار اندیشه شرقی، شماره خورده اند و امام‌عزیز بعد از این تقاطع، دوباره از شماره یک فقط با نام «اندیشه» تابلو خورده اند. همین موضوع چالش زیادی برای اهالی ایجاد کرده است و این نام‌گذاری مجدد شماره‌ها باعث سردرگمی مردم هنگام نشانی دهی و تردد شده و نیازمند بازنگری و استانداردسازی تابلوهاست.



● دو کوچه اندیشه ۲ داریم!

وقتی از سمت بزرگراه امام علی^(ع) وارد بولوار اندیشه می‌شوید، معابر فرعی (که ۴، ۲، ۱ و ۶ را شامل می‌شود) تا تقاطع خیابان شهید هریری با عنوان اندیشه شرقی نام‌گذاری شده است

حسین کمالی که یکی از اهالی این محدوده است و بنگاه املاک دارد، در این باره به ما می‌گوید: سال‌هاست در نشانی دادن کوچه‌های فرعی بولوار اندیشه مشکل داریم. من هنوز دلیلش را نفهمیده‌ام که چرا بولوار اندیشه را دو قسمت کرده‌اند. چه خوب بود که از ابتدای بولوار اندیشه، معابر فرعی را به ترتیب نام‌گذاری می‌کردند تا آخر. حسین آقا ادامه می‌دهد: بارها نشانی اندیشه غربی را به مشتری‌ها داده‌ایم و آن‌ها سر از اندیشه شرقی ۲ درآورده‌اند. اگر قرار است تابلوهای قبل از تقاطع بولوار اندیشه و خیابان شهید هریری، عنوان «شرقی» داشته باشند، باید تابلوهای بعد از تقاطع هم عنوان «غربی» داشته باشند.

● پیچیدگی در نام‌گذاری معابر قاسم‌آباد

یکی دیگر از همسایه‌ها به نام ولی محمودی می‌گوید: در نرم افزارهای نشانی‌یابی هم موضوع شرقی و غربی بولوار اندیشه لحاظ نشده است و مثلاً وقتی اندیشه ۲ شرقی را جست‌وجو می‌کنید، شما را می‌برد به اندیشه ۲ که این باعث سردرگمی افراد و مسافران می‌شود. او با خنده می‌گوید: من خودم در اندیشه غربی ۲ زندگی می‌کنم،

در نرم افزارهای نشانی‌یابی هم موضوع شرقی و غربی بولوار اندیشه لحاظ نشده است و مثلاً وقتی اندیشه ۲ را جست‌وجو می‌کنید، شما را می‌برد به اندیشه شرقی ۲ که این باعث سردرگمی افراد و مسافران می‌شود



● اندیشه شرقی و غربی حذف می‌شود

معضل نام‌گذاری معابر فرعی بولوار اندیشه را با رئیس اداره نام‌گذاری معابر و تابلونویسی سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد در میان گذاشتیم. ناهید فریدنیا در این باره به شهرآرامحله می‌گوید: موضوع تغییر نام‌گذاری معابر فرعی بولوار اندیشه در دستور کار قرار گرفته و بازدیدهای میدانی هم از محل انجام شده است.

او با اشاره به اینکه طی سه ماه آینده، نام‌گذاری معابر بولوار اندیشه به روز خواهد شد، توضیح می‌دهد: براساس خواسته شهروندان، نام شرقی و غربی از معابر بولوار اندیشه حذف خواهد شد و معابر از ابتدای بولوار اندیشه به صورت متوالی نام‌گذاری می‌شود. فریدنیا در پایان می‌گوید: این معضلی بود که پیش‌تر در معابر فرعی بولوار حجاب هم وجود داشت و بنا به درخواست شهروندان اصلاح شد.

پاسخ‌گویی مدیران به اهالی محله امام‌هادی^(ع)

نشست مردمی احسان عظیمی‌راد، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی با اهالی محله امام‌هادی^(ع) برگزار شد. در این نشست، مسئولان شهری نظیر اعضای شورای شهر، پلیس راهور، رئیس ناحیه ۷ آموزش و پرورش و رؤسای سازمان‌های حمل‌ونقل و ترافیک و اتوبوس‌رانی و کلاتری قاسم‌آباد در مسجد حضرت محمد^(ص) حضور داشتند.

شهر خبر



خانه تکانی منطقه ماباش و شروع مهر

هم‌زمان با آغاز سال تحصیلی و به منظور حفظ ایمنی دانش‌آموزان و زیباسازی منظر شهری در این منطقه، اقداماتی انجام شد. نصب ۲۲ تابلو و تجهیزات ترافیکی، ۲۹۰ مترمربع خط‌کشی عابر پیاده و احداث سرعت‌گیر آسفالتی، حذف سرشاخه و درخت خشک، فعال کردن آب‌نماها در مسیرهای اصلی و کاشت درخت در محوطه بیرونی مدارس از جمله این اقدامات بوده است.

دوره‌می دختران نواندیش

باشگاه اجتماعی دختران نواندیش، برای نخستین بار در مشهد به منظور ایجاد فضایی برای ساختن فردایی روشن برای دختران افتتاح شد. شبکه‌سازی و نیروسازی در زمینه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی از اهداف راه‌اندازی چنین باشگاهی است که به همت شهرداری منطقه ۱۰ و همکاری پایگاه حضرت زینب^(س) مسجد امام سجاد^(ع) محله رازی ایجاد شده است.



پروژه شهربانوی منطقه ۱۰ آبان امسال به بهره‌برداری می‌رسد

«آفتاب» در دست بانوان

ریاحی | بوستان بانوان آفتاب با تزریق منابع مالی، آبان ماه به بهره‌برداری می‌رسد و در اختیار بانوان منطقه ۱۰ قرار می‌گیرد.

فاطمه سلیمی، رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای اسلامی شهر مشهد مقدس، در حاشیه بازدید از پروژه بوستان بانوان «آفتاب»، گفت: یکی از رویکردها و نگاه‌های شورای ششم و مدیریت شهری در این دوره، توسعه فضاهای سبز شهری و ویژه بانوان بوده است.

فاطمه سلیمی با بیان اینکه تاکنون با همین نگاه، تعداد بوستان‌های ویژه بانوان به پانزده بوستان رسیده است که از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود، گفت: بوستان بانوان آفتاب هم مراحل پایانی خود را طی می‌کند؛ این فضای تفریحی حدفاصل ادیب تا فلاحی و در مساحتی معادل پنج هکتار احداث می‌شود.

به گفته عضو شورای اسلامی شهر مشهد، بوستان بانوان آفتاب امکاناتی نظیر نمازخانه، کافی‌شاپ، زمین ورزشی والیبال و بدمینتون، تنیس روی میز، شطرنج، زمین اسکیت، مسیر سلامت، پینت‌بال، فضای گفت‌وگو و همگانی، فضای بازی کودکان، آلاچیق، فضای خانوادگی، مسیر دوچرخه‌سواری، ورزش‌های همگانی و پارکینگ را در خود جای داده است.

فیلم ساز جوان اصفهانی در کوچه های شهر امام رضا (ع)
دنبال یافتن روایت هایی برای سینما و تلویزیون است



وقتی مشهد لوکیشن می شود



سمیرا شاهیان | در بین نسل جوان فیلم سازان، از همان آغاز مسیرش نشان داد که قرار نیست شبیه دیگران باشد؛ او کارشناسی مهندسی برق قدرت دارد، اما دلش نه با محاسبات فنی که در گرو قاب تصویر است. از طرفی کارگردان و فیلم سازی است که مسیرش رانه از تهران، بلکه از دل مشهد آغاز کرده و حتی زادگاهش اصفهان را ترک کرده تا در سایه حرم امام رضا (ع) زندگی و کار کند. مشهدی که حالا به تعبیر خودش «لوکیشن زندگی» اش شده است.

علاقه او به سینما فقط در قالب پروژه های داستانی و مستند های جشنواره ای نیست؛ بخش مهمی از فعالیتش، ساخت کلیپ ها و مستند هایی درباره خادمان و زائران حرم است؛ کارهایی که شاید از سینما فاصله داشته باشد. ولی به گفته خودش دلنشین ترین تجربه های هنری اش محسوب می شوند.

علی سلمانی هنرمند محله فرهنگیان، سینما را برای سرگرمی صرف نمی داند، بلکه معتقد است روایتگری باید به بهبود جهان منجر شود. همین نگاه باعث شده هم در انتخاب سوزناک ها جستار به خرج دهد. از پرداختن به مسئله فلسطین گرفته تا تجربه پروژه های دشوار داستانی، و هم در انتخاب زیستگاه هنری اش، مشهد را برگزیده است.

گفت و گوی پیش رو، روایتی است از مسیر پرفراز و نشیب او؛ از علاقه به تصویر و قصه گویی گرفته تا جالش های ساخت فیلم در مشهد و آملیدی که به آینده سینمای بلند دارد.

مهندسی در قاب تلویزیون

شروع گفت و گوی ما با علی سلمانی، درباره پخش یکی از آثارش از تلویزیون است؛ یک قسمت از سریالی یازده قسمتی با نام «جایی برای همه» که اپیزودیک ساخته شد و هر قسمت را کارگردان و نویسنده ای جداگانه پیش برد. این مجموعه به مناسبت دهه اول محرم روی آنتن رفت و یکی از اپیزودهای آن با موضوع «روژه های خانگی» با تهیه کنندگی قاسم قاسمی، همان اپیزودی است که حضور جدی سلمانی در قالب نویسندگی و کارگردانی در قاب تلویزیون را رقم زد.

سلمانی که متولد سال ۱۳۷۶ است، پیش از این نیز تجربه های کوتاه تری داشته است و می گوید: سال ۱۴۰۲ فیلم «شورش» بود که در جشنواره های مختلف از جمله جشنواره فیلم کوتاه تهران، رشد، عمار و چند رویداد دیگر به نمایش درآمد و حتی جوایزی هم کسب کرد. این اثر کوتاه با موضوع فلسطین ساخته و بعد ها از شبکه های مختلف تلویزیونی پخش شد. این مهندس برق مسیرش را این طور روایت می کند: پس از پایان تحصیلات متوسطه، هم زمان در دو کنکور شرکت کرده بودم؛ یکی هنر و دیگری ریاضی. با

معدل هجده و رتبه متوسط در ریاضی، سرانجام در رشته مهندسی پذیرفته شدم و برای ادامه تحصیل راهی دانشگاه دولتی سبزوار (حکیم سبزواری) شدم. اما از همان ترم اول فهمیدم این رشته با من سازگار نیست. فیزیک یک راکه خواندم، حالم بد می شد. حتی به پدرم زنگ زدم و گفتم نمی خواهم ادامه بدهم. اما او مخالف بود و حرفش این بود که در این صورت باید سربازی بروم.

با وجود بی علاقه گی های زیاد، علی در کنار درس به تدریج به سمت فعالیت های فرهنگی و سینمایی در دانشگاه رفت؛ «عضویت در کانون فیلم و عکس دانشگاه، بسیج دانشجویی و ساخت برنامه های اینترنتی با هم دانشگاهی ها کم کم مرا به سمت سینما کشاند. در نهایت هم او آخر دوره تحصیلم، انتقالی گرفتم و به یک دانشگاه غیرانتفاعی در مشهد آمدم؛ تجربه ای که نقطه عطف زندگی ام شد.»

یافتن «فلسطین» در روستای اسلام آباد

نخستین پروژه داستانی او در مشهد با دشواری های بسیاری همراه بود. او درباره اولین تجربه داستانی اش در مشهد می گوید: بزرگ ترین درد سر ما پیدا کردن لوکیشنی بود که حال و هوای خانه های فلسطین را داشته باشد. خیابان شقایق در انتهای هفت تیر، جاده سیمان و حتی منطقه قرقری را بررسی کردیم. اما هیچ کدام جواب نمی داد. در نهایت در روستای اسلام آباد کوچه ای پیدا کردیم که خانه های تمام سیمانی اش دقیقاً همان فضای بی روحی را داشت که می خواستیم. همان جاشد صحنه اصلی این فیلم سه دقیقه ای.

او اضافه می کند: بودجه مان خیلی محدود بود و تنها یک روز برای ضبط وقت داشتیم. البته برای پیش تولید کار، حدود سه ماه وقت صرف کرده بودیم. تازه مشکلات طراحی صحنه و لباس هم مزید بر علت بود. لباس مناسب در ایران نبود و مجبور شدیم دست به ابتکار بزنیم. حتی دیالوگ های عبری هم کار را پیچیده تر کرده بود.

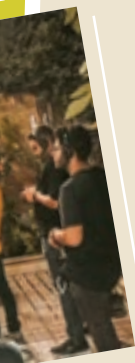
گروه بازیگران این کار، بیشتر از جوانان مشهدی تشکیل شده بود؛ سارا نجاتیان (بازیگر تئاتر)، حجت باغانی (فعال در حوزه موسیقی که آشنایی مختصری با زبان عبری داشت) و اسدا... سرداریان در نقش سرباز؛ سایر نقش ها نیز به هنرور ها سپرده شد.

روایت حرم در قاب مستند

این دانش آموخته فیلم سازی انجمن سینمای جوان در کنار دیگر تجربه ها، بخش مهمی از کار خود را صرف ساخت مستند های کوتاه برای تلویزیون می کند؛ آثاری درباره موضوعات مرتبط با حرم امام رضا (ع). در این باره می گوید: این مستند ها تبلیغی یا گزارشی صرف نیستند؛ من روی روایت قصه تمرکز می کنم. بیشتر شان بین پانزده تا سی دقیقه بودند. همین حالا هم مشغول تولید یک مستند پرتیر سه قسمتی هستم. ورود جدی سلمانی به عرصه مستند، با همکاری مشترک در انجمن فیلم سازان انقلاب اسلامی رقم خورد. نخستین تجربه حرفه ای اش مستند «نفس خوار» بود؛ اثری درباره ارتفاعات جنوبی مشهد و پیامدهای توسعه شهری. او توضیح می دهد: با دغدغه زیست محیطی که داشتیم، پژوهش اولیه را انجام دادیم، متن را آماده کردیم و بعد به سراغ

سید محمد محمدی سرشت رفتیم. نتیجه یک کار مشترک شد که حتی توانست برای مدتی، مسیر پروژه های عمرانی را متوقف کند. این تجربه، درهای تازه ای را برایش گشود. حضور در جشنواره هایی چون «عمار» باعث شد جایزه پایش و پالایش اجتماعی در سال ۱۳۹۷ را به دست بیاورد و بیشتر دیده شود. همان جابود که با گروهی از فیلم سازان جوان مشهد آشنا شد؛ خیلی چیزها از آن ها یاد گرفتیم. بعد تر همکاری با محمد صادق رضانی مقدم در دفتر شمس فیلم، نقطه عطفی در زندگی کاری ام شد. دوستانم و به ویژه ایشان چیزی را که سخت به دست آورده بودند، رایگان به من یاد می دادند.

فیلم کوتاه «شورش» نیز در همین دوره ساخته شد. اثری سه دقیقه ای که تنها یک روز فیلم برداری شد، اما در جشنواره های مختلف درخشید؛ جایزه ویژه سازمان سینمایی کشور در جشنواره فیلم کوتاه تهران، جایزه شاخه زیتون و جایزه بین المللی جشنواره رشد. علی سلمانی می گوید: در تاریخ سینما ده ها فیلم درباره رنج یهودیان ساخته شده، اما درباره کودکان فلسطینی سکوتی گزینشی وجود دارد. وقتی عکس های هفت هزار کودک بازداشت شده را می دیدم، گلویم را بغض می گرفت. برای همین ایده فیلم شکل گرفت. به باور او، همین «شورش» بود که دنیای سینمای داستانی را برایش جدی و پویا و رابیش از پیش به فضای حرفه ای باز کرد.



در مشهد می مانم

او با بیان اینکه جریان اصلی تولید در ایران از مسیر تهران می‌گذرد، تأکید می‌کند: همچنان تصمیم داریم در مشهد بمانیم. برای من، ماندن در مشهد یعنی دل‌کنندن از زادگاهم اصفهان. با این حال اینجاسایه امام رضا^(ع) بالای سرم است و همین برایم آرامش می‌آورد. سلمانی علاقه‌اش به مشهد را تنها شخصی و معنوی نمی‌داند. او معتقد است این شهر ظرفیت‌های سینمایی بسیاری دارد؛ «مشهد فقط یک لوکیشن مذهبی نیست. در همین اطراف، سوژه‌های زیست محیطی مهمی هست؛ تغییرات اقلیمی، نابودی زیستگاه‌ها و تهدیدهایی که هر روز پررنگ‌تر می‌شوند. این‌ها همه می‌توانند روایت‌های جدی سینمایی باشند.»

سینما و سهمی در بهتر شدن جهان

وقتی از آینده این فیلم‌ساز جوان می‌پرسیم، دیگر بحث جشنواره‌ها یا سختی‌های تولید نیست. او مکتبی می‌کند و با لحنی آرام و مطمئن می‌گوید: مسیرم را در سینما طولانی و پر زحمت می‌بینم؛ مسیری که «هدف نهایی‌اش رسیدن به سینمای بلند است.»

علی سلمانی ادامه می‌دهد: باور دارم سینما فقط محملی برای سرگرمی نیست، بلکه باید سهمی در بهتر شدن جهان داشته باشد. اگر همین امروز امکان ساخت یک فیلم بلند را پیدا کنیم، باز هم فلسطین را انتخاب می‌کنم. چون به نظرم مهم‌ترین دغدغه زمانه ما همین مسئله است.

خاطره‌گویی

یک مأموریت متفاوت

یکی از پروژه‌هایی که علی سلمانی به یاد می‌آورد، مربوط به خدمتی بود که از سوی آستان قدس رضوی، به تعدادی از روستاهای اطراف فریمان ارائه شد. در این مأموریت، تعدادی از بزرگان محلی با همکاری آستان قدس، گروهی از سالمندان را که به دلیل بیماری یا مشکلات جسمی توان حضور در زیارت نداشتند، به مشهد آوردند. اما مشکلات زیادی سر راه این زائران بود؛ از نبود نیروی کافی برای جابه‌جایی و بلیچر تا رسیدگی به تغذیه و نگهداری سالمندان در طول مسیر.

اومی‌گوید: در راه مأموریت، یکی از عوامل پروژه که با چنین کارهایی موافق نبود، با تردید گفت این کار چه فایده‌ای دارد؟ جز اینکه گزارشی ساخته و چند تصویر پخش شود، درد کسی را دوانمی‌کند.

سلمانی ادامه می‌دهد: به همکارم توضیح دادم که ثبت چنین حرکت‌هایی می‌تواند فرهنگ‌ساز باشد و مردم را به کارهای خیر تشویق کند. ولی همکارم همچنان قانع نشد. در ادامه مسیر، در یکی از روستاها خانواده‌ای زندگی می‌کردند که به دلیل صعب‌العبور بودن مسیرشان، کسی سراغشان نرفته بود تا سالمندانشان را به مشهد بیاورد. وقتی تیم فیلم‌سازی از ما جابه‌جا خبر شد، پیگیری کردند و بالاخره با پیگیری ما آن خانواده هم به جمع زائران اضافه شدند. همان موقع با لبخند رو به همکارم گفتم دیدی؟ همین‌جا حداقل ما به درد خوردیم. ولی این تازه اول ماجرا بود. یکی از مسئولان آستان قدس برای بازدید از پروژه ما آمد و همراه گروه فیلم‌برداری در خانه یکی از سالمندان حضور یافت. در آن خانه، دختری جوان که پرستار مادر سالمندش بود، جلودوربین اذل شکستگی‌هایش این‌طور گفت که «من مدت هاست با امام رضا قهر کرده‌ام. حاجتم این بود که به کربلا بروم، اما برآورده نشد.» مسئولی که آنجا بود به آن خانم گفت همین‌که امشب با مادران به زیارت امام رضا^(ع) آمده‌اید، یعنی حاجتتان برآورده شده است.

سلمانی می‌گوید: مدتی بعد، همان مسئول به طور ناشناس پیگیر وضعیت آن خانواده شد و بی‌خبر از دوربین‌ها، هزینه سفر کربلا برای آن دختر را فراهم کرد. خبر که رسید، همان همکارم در حالی که پراز تعجب بود گفت حالا می‌بینم حتی اگر فکر کنیم کار ما بی‌فایده است، شاید دست‌کم زمینه‌ساز اتفاقاتی باشیم که خودمان از آن خبر نداریم.

همه‌همه در پشت صحنه «شورش»

علی سلمانی به حوادث غیرمنتظره‌ای که در جریان تولید فیلم «شورش»، رخ داد هم اشاره می‌کند. اومی‌گوید: در شب ضبط نهایی، یکی از بازیگران در حال دویدن، ناخواسته با اسلحه وینچستر صحنه، به کمر طراح صحنه، امین فاضلی، کوبید. این در حالی بود که آقای فاضلی، مشکل دیسک کمر داشت و در اثر آن ضربه، نقش بر زمین شد و صدای همه‌همه‌ای به راه افتاد.

او ادامه می‌دهد: این اتفاق زمانی روی داد که ما به دلیل ساعت‌های پایانی روز به شدت تحت فشار و برای از دست رفتن زمان فیلم‌برداری نگران بودیم. همین لحظه با دلشوره گفتم «امین، دیگه نه!»، اما چند دقیقه بعد، آقای فاضلی پا خنده از جا بلند شد و صحنه ادامه پیدا کرد.

سلمانی به یاد می‌آورد: یکی دیگر از اتفاق‌های آن روز مربوط به صحنه‌ای بود که یک هنرور باید با لباس شخصی، در نقش نیروهای اسرائیلی، از بالای دیوار می‌پرید و وارد قاب می‌شد. او چند بار تمرین کرده بود اما به دلایلی انعکاس نور خوب از آب در نمی‌آمد. برای همین

از طراح صحنه خواستیم کمی آب روی زمین بریزند تا نورپردازی تیره‌تر شود. اما الغزنگی سطح زمین سبب

شد هنگام پرش، پای هنرور سر بخورد و تاندون پایش آسیب جدی ببیند. در حالی که همه نگران او بودند،

سریع گفتم آمبولانس خبر کنید و هم‌زمان فرد دیگری را جایگزین کنیم تا روند کار متوقف نشود. همین اقدام من،

از سوی دستیار کارگردانی به «بی‌رحمی» تعبیر شد، ولی آنجا نظرم این بود من که پزشک نیستم و هر موضوعی

باید از راه خودش پیگیری شود.

او می‌گوید: با اینکه یک ساعت و نیم وقفه باعث شد چند پلان مهم را از دست بدهم، یاد گرفتم در سخت‌ترین لحظه‌ها، حتی اگر به نظر بی‌رحمی بیاید، باید وظیفه‌ام را درست انجام بدهم.



کارنامه آثار علی سلمانی

فیلم کوتاه «شورش»

موضوع:

فلسطین و کودکان
بازداشت‌شده

جوایز:

- جایزه ویژه سازمان سینمایی کشور و جایزه شاخه زیتون در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران - ۱۴۰۲
- نشان ویژه ایثار و آزادی خودگذشتگی جشنواره بین‌المللی رشد - ۱۴۰۲
- پخش: شبکه‌های مختلف تلویزیونی

مستند «نفس خوار»

کارگردانی مشترک با سید محمد محمدی سرشت

موضوع:

پیامدهای توسعه شهری
در ارتفاعات جنوبی مشهد

جوایز:

جایزه پایش و پالایش اجتماعی جشنواره مردمی فیلم عمار - ۱۳۹۷

پخش:

شبکه‌های مختلف
تلویزیونی

مجموعه تلویزیونی
«جایی برای همه»
اپیزود «ورشکسته»

موضوع:

آیین‌های عزاداری ساده
در برابر مجالس مجلل
نخستین حضور جدی در
قاب تلویزیون - ۱۴۰۴

پخش:

از شبکه ۲



طیبه روحانی که در میان سالی دست به قلم شد، تا کنون کتاب های متعددی را منتشر کرده است

سرمایه های پس از بازنشستگی



راه تجربه



فهیمة شهری | ساکت و کم حرف: این اولین ویژگی ای است که در برخورد با طیبه روحانی احساس می شود. شاید همین سکوت و حرف های فروخورده باعث شد که در آستانه بازنشستگی و در چهل و چهار سالگی رو به نویسنده گی آورد. این معلم بازنشسته محله آب و برق از ۲۹ سال پیش تا کنون پنج جلد کتاب به رشته تحریر درآورده که محتوای آن ها ترکیبی از تخیل و واقعیت هایی است که در سال های عمرش به چشم دیده است.

الهام گرفتن از آموزه های شهید مطهری

حدود ساعت ۲ با مداد که سکوت همه جا را فرا می گیرد و نور مهتاب از پنجره اتاقش می تابد، قلمش را برمی دارد و شروع می کند به نوشتن. طیبه خانم از چنگی اهل مطالعه بود. کتاب «داستان راستان» شهید مطهری، کتابی است که بیش از همه، ملکه ذهنش شده و به قول خودش، پایه و اساس افکارش را بنیان گذاشته است. او بعدتر که بزرگ تر شد، به مطالعه سایر کتاب های استاد مطهری، نهج البلاغه، تفسیر المیزان علامه طباطبائی و کتاب های مولانا و تفسیر قرآن رو آورد. این معلم بازنشسته تعریف می کند: از کودکی انشایم خوب بود. یادم است یک بار انشایی با موضوع «حق چیست؟» نوشتم که خیلی مورد توجه معلمم قرار گرفت.

او که سال های ۳۹، ۴۰ به عنوان گوینده برنامه کودک در رادیو مشهد فعالیت داشته است، می گوید: این قدر اجرایم خوب بود که یک بار من را برای اجرای گروهی دعوت کردند اما چون خانواده ای مذهبی داشتم و اجراهای گروهی زمان شاه محیط خوبی نداشت، مخالفت کردند و سال ۴۰ درحالی که ۱۳ ساله بودم، فعالیتیم در رادیو قطع شد. او ادامه می دهد: بزرگ تر که شدم، آرزو داشتم در دانشگاه هنر تحصیل کنم اما بازم یکی از نزدیکان به دلایل مذهبی بآن مخالفت کرد و این آرزویم نیز محقق نشد.

طیبه خانم سال ۴۷ ازدواج کرد و سال ۵۲ درحالی که تحصیلاتش در رشته دبیری زبان انگلیسی را به پایان رسانده بود، به خاطر تحصیل همسرش راهی فرانسه شد. این معلم بازنشسته تعریف می کند: همسرم بورسیه تحصیلی فرانسه را داشت. من نیز همراه او راهی شدم و از سال ۵۲ تا ۵۴ کارورزی ام را در دانشگاه «پل والری» مونپولییه فرانسه گذراندم.

طیبه خانم سال ۵۴ بعد از بازگشت به ایران به استخدام آموزش و پرورش درآمد و با اینکه مدرس زبان انگلیسی بود، از هر فرصتی برای انتقال آموزه های شهید مطهری استفاده می کرد.

روایتگری براساس واقعیت

طیبه خانم تأکید می کند: همه این داستان ها برپایه واقعیت هستند. هرکدام حاصل اتفاقی است که در زندگی خودم، اقوام، همسایه ها و... دیده ام و یادیدگاه هایی که از کتاب های مطهری و دیگر مطالعاتم کسب کرده ام، آن ها را پرورش داده ام.

او بین نوشته هایش «حکایت بی بی و نازبوی یتیم» و «مژگان در کوچه پس کوچه های تنهایی» را از همه بیشتر دوست دارد، چون این نوشته ها بیان کننده زندگی سخت افراد یتیم است.

بین این یادداشت ها و نوشته های طیبه خانم دو یادداشت متفاوت وجود دارد: این ها نامه هایی است برای دو پسرش، محمد مهدی و محمد منصور. اکنون محمد مهدی دکترای اقتصاد دارد و محمد منصور داروساز و مدرس ویولن و پیانو است. البته نویسنده گی را هم از مادرش به ارث برده است و یک دیوان شعر دارد. طیبه خانم در یادداشت هایی که برای دو فرزندش نوشته، بیشتر از یک نویسنده، مادر است: مادری که حواسش به غذای بچه هایش هست و آن ها را توصیه به خوردن غذاهای حلال می کند. همچنین از آن ها خواسته کتاب «در غرب خبری نیست» از حسین رزمجو را بخوانند.

این بانوی نویسنده، یک نسخه از کتاب هایش را به کتابخانه ثارا...^(۱) در کوثر^(۲) که خودش هم به آن رفت و آمد دارد، اهدا کرده است. او که بازخوردهای خوبی از خوانندگان کتاب هایش گرفته است، می گوید: خانمی می گفت وقتی کتاب هایتان را می خوانم، در عالم دیگری سیر و سیاحت می کنم و دیدگاه های معنوی ام طوری تقویت می شود که انگار خودم آن حوادث را لمس کرده ام. علاوه بر این، عبدالکریم شریعتی، درباره یادداشت طیبه خانم با عنوان «آوای یک معلول» این عبارت را در ابتدای یکی از کتاب هایش دست نویس کرده است: «در دنگیزترین و انسانی ترین سمفونی در حدیث نفس». این جمله ها برای طیبه خانم خیلی ارزش دارد. وقتی آن ها را می بیند، دلش گرم می شود و احساس می کند نوشته اش فراتر از آنچه توقعش را داشته تأثیرگذار است؛ و همین حس باز او را دست به قلم می کند.

تولد کتاب ها

او می گوید: در این سال ها خیلی چیزها دیدم و شنیدم که در ذهنم مانده بود: از دانش آموزان نیازمند و گرسنه تا پدران و مادران مادی گرایی که معنویت را از یاد برده بودند. تضادهای فرهنگی، معضلات اجتماعی، ظلم به هم نوع و....

همین ها باعث می شود که طیبه خانم سال ۷۵ بالاخره دست به قلم شود و این تراوشات ذهنی اش را روی کاغذ بیاورد. اولین نوشتار او «آوای یک معلول» است که در آن رنج ها و مشکلات معلولی را به رشته تحریر درآورده که پدرش هروئینی و مادرش عقب مانده ذهنی است.

او می گوید: وقتی این نوشتار را برای همسر برادرم خواندم، تشویقم کرد کتاب بنویسم و در ادامه، نوشتارهای دیگری با موضوعات مختلف نوشتم که حاصل آن ها شد کتاب «فریاد های فروخته» و سال ۱۳۹۰ به چاپ رسید.

این نویسنده، در ادامه کتاب «طلادر آتش» را به رشته تحریر درآورد که حکایت تضادهای فرهنگی بین زن روسی تباری است که با مردی ایرانی ازدواج کرده است. طیبه خانم در کتاب «حکایت بی بی و نازبوی یتیم» داستان کودک یتیمی را نوشته است که با مادر بزرگش زندگی می کند و از سمت دایی اش مورد ظلم و کم لطفی قرار می گیرد. «شهد شریعتی» عنوان کتاب دیگر این بانوی نویسنده است. او در این کتاب، داستان هایی درباره معضلات و مشکلات اجتماعی نوشته است.

طیبه خانم در کتاب «داستان های لعل و کریم» بیش از هر چیز قصد داشته است قدرت خداوند را بازگو کند. این کتاب حکایت زن و شوهری است که به خاطر نازیبایی چهره شان مورد تمسخر و سرزنش دیگران قرار می گرفتند اما خداوند، فرزندی پری رخ به آن ها عطا می کند. «مژگان» در کوچه پس کوچه های تنهایی عنوان کتاب دیگر این نویسنده است و در آن، سرگذشت خودش و پستی و بلندی های عمرش را به رشته تحریر درآورده است.





هم‌زمان با هفته دفاع مقدس، یاد و خاطره شهدا در مسجد صاحب‌الزمان (عج) گرامی داشته شد

عشق وطن در دل محله لشکر

رضاری‌ای در دل محله پراز خاطره لشکر، جایی که خانواده‌های شهدا هنوز نفس‌های ایثار را در کوچه پس‌کوچه‌هایش حس می‌کنند، یادواره‌ای ویژه برگزار شد. مسجد صاحب‌الزمان (عج) در خیابان فلاحتی ۳۸ میزبان ششصد نفر از خانواده‌های معظم شهدا بود؛ جمعی که هرکدام داستانی از فداکاری و غیرت دارند و عزیزی را برای دفاع از میهن تقدیم کرده‌اند. در این مراسم، علاوه بر گرامی‌داشت یاد و خاطره شهدا، از کتاب «گردان ۱۱۰» در نبرد ۸۵ ساله هم رونمایی شد.

● بانی اصلی جوان‌ها بودند

عصر چهارشنبه هفته پیش، مسجد صاحب‌الزمان (عج) محله لشکر، حال و هوای خاصی داشت. تعداد زیادی از خانواده‌های شهدای محله دور هم جمع شده بودند تا به مناسبت هفته دفاع مقدس، یاد و خاطره شهیدشان را گرامی بدارند؛ از خانواده شهیدان، حمید دمساز، رضا بارانی، محمد علی گوهری و محمدشاهی تاسرتیپ علی ربیعی، فرمانده گروه پدافند هوایی مشهد و سرهنگ محمد قاصدی، فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه پاسرو... محسن البرز، جانشین فرمانده پایگاه بسیج مسجد صاحب‌الزمان (عج) در محله لشکر، درباره این مراسم گفت: در گذشته، مسجد پایگاه اصلی پشتیبانی از رزمندگان در دوران دفاع مقدس و مرکزی برای تجمع نیروها، آموزش، کمک‌رسانی، پشتیبانی و اعزام رزمندگان به جبهه بود. رزمندگان همواره از مسجد به عنوان سنگر

و مرکز مقاومت در سخت‌ترین لحظات جنگ بهره‌می‌بردند. برای همین است که مسجد ما هر سال یاد و خاطره شهدا و خانواده‌های آن‌ها را در هفته دفاع مقدس گرامی می‌دارد. به گفته البرز، جوانان محل از خانم و آقا، بانیان اصلی این مراسم بودند و اموری مثل هماهنگی با ادارات، فضا سازی مسجد و اطلاع‌رسانی و دعوت از خانواده شهدا بر عهده داشتند.

● آقا عزیز!... تانک را از کار انداخت

خاطره‌گویی خانواده شهدای از بخش‌های شایان توجه این مراسم بود. اول از همه نوبت خانواده عزیز!... آقا جان زاده بود که با خاطره‌ای حال و هوای مراسم را عوض کنند. بتول جبینی، همسر

شهید، درباره او گفت: آقا عزیز!... نظامی بود و ماقبل از انقلاب در تربت جام زندگی می‌کردیم. او مسئول کنترل تانک بود؛ برای همین او را به مشهد فرستادند تا جلوی تظاهرات کنندگان را بگیرد. تنها راهی که به ذهن عزیز! رسید، این بود که تانک را دست‌کاری کند تا از کار بیفتد. او چون خودش انقلابی بود، نمی‌خواست جلومردم بایستد. بادم هست افسران ارتشی کلی سرش غرزدند که این تانک تا دیروز کاری کرد و حالا یک باره چه شد؟ عزیز!... هم تحویل نمی‌گرفت و می‌گفت: کار من نیست، یک نفر را بیاورید تا درستش کند!

خاطره دیگر را جواد آقا، فرزند شهید محمد حسن شاهی، تعریف کرد: پدرم بعد از پیروزی انقلاب وارد جهاد سازندگی شد و بعد از شروع جنگ هم به لشکر ۷۷ خراسان پیوست و به همراه تیمی ۹ نفره کار خنثی‌سازی مین‌های بعضی‌ها را بر عهده گرفت و در نهایت هم دریکی از این عملیات‌ها به شهادت رسید.

● قصه‌های نبرد گردان ۱۱۰

علاوه بر قدردانی از خانواده شهدا، حسن ختام این یادواره رونمایی از کتاب «گردان ۱۱۰» در نبرد ۸۵ ساله، به قلم سرهنگ قاسم کریمی بود که در آن زمان ابتدا با درجه ستوان و سپس سروان در این گردان خدمت می‌کرده است. او می‌گوید: این کتاب روایتی داستان‌گونه از خاطرات هشت سال دفاع مقدس در گردان پیاده ۱۱۰ لشکر ۷۷ خراسان است که در عملیات‌های شکست‌حصر آبادان، رمضان، خیبر و بدر در جزایر مجنون و... نقش مهمی داشته است.



پرنیا بینایی، مجری و بازیگر شبکه استانی از چالش‌های کارش می‌گوید

از حال شاد به غمگین



● این فعالیت‌ها به درس‌های لطیفه نزده است؟

در حال خودم رابه درس‌ها رسانده‌ام اما در این راه اشک‌ها ریخته‌ام. چون در مدرسه نمونه‌دولتی مصلی نژاد درس می‌خوانم، معلم‌های سخت‌گیری دارم. خیلی وقت‌ها برای اجراها مجبورم سرکلاس حاضر نشوم و بعضی معلم‌ها به این دلیل نمره کم می‌کنند.

● ظاهراً به هم‌سن و سال‌هایت هم آموزش می‌دهی.

بعد از اینکه خودم دوره‌های فن بیان، نویسندگی، بازیگری و تئاتر و خبرنگاری را گذراندم، حالا دارم به عنوان مدرس فعالیت می‌کنم و در حال حاضر مدرس فن بیان در کانون فرهنگی هنری سراج هستم. البته این راهم بگویم که فراتر از مطالب تئوری، مدیون زحمات دکتر سید حمید طباطبایی، تهیه‌کننده و کارگردان برنامه «آب نبات چوبی» و برنامه «ایران امام رضا (ع)» هستم؛ زیرا کار عملی را کنار ایشان یاد گرفته‌ام و همیشه قدرشان هستم.

● کدام اجرا برای‌ت خاطره‌انگیزتر بوده است؟

کلاس اول دبستان که بودم، به عنوان یکی از بازیگران تئاتر «شاپرک خانم» انتخاب شدم و روزی شش ساعت برایش تمرین می‌کردم. بنابه دلایلی این تئاتر آن زمان اجرا نشد ولی امسال که روی صحنه رفت، باینکه خودم در آن نبودم، بازیگرانش و اجراهایشان را دنبال می‌کردم و خیلی برایم جذاب و خاطره‌انگیز بود.

● شنیدم خیلی به امام رضا (ع) ارادت داری.

اولین بار که قرار بود برای مجریگری تست بدهم، ابتدا رفتم حرم امام رضا (ع) و از ایشان خواستم کمکم کند تا بتوانم وارد صداوسیما شوم. این خواسته‌ام محقق شد و آن را لطف آقامی دانم. الان هم باز به لطف امام رضا (ع) در برنامه ایران امام رضا (ع) در حال اجرا هستم.

● در این باره خاطره‌ای داری؟

کلاس اول دبستان که بودم برای ضبط مجموعه کودک و نوجوان «آب نبات چوبی» سه تادوربین مقابلم بود و گاهی متوجه نمی‌شدم باید به کدام نگاه کنم. این موضوع اجرا را با مشکل مواجه کرد و چنان باعث ناراحتی‌ام شده بود که می‌خواستم گریه کنم اما با همین حال بلافاصله رفتم برای ضبط یک برنامه شاد که باید در آن خنده‌رو و پرانرژی می‌بودم.

● مجریگری چه تأثیری روی زندگی شخصی‌ات داشته است؟

منظم‌تر شده‌ام. نظم و برنامه‌ریزی دقیق لازمه اصلی مجریگری است. فن بیانم هم طبیعتاً بهتر شده است.



فهمیده شهری برای کسانی که برنامه‌های کودک شبکه خراسان را تماشا می‌کنند. پرنیا بینایی، چهاره‌ای آشناست. او شش سال مجری اصلی برنامه «آب نبات چوبی» بود و حالا در برنامه «ایران امام رضا (ع)» اجرا دارد. این دانش‌آموز کلاس نهم محله آب و برق علاوه بر مجریگری صداوسیما، در عرصه‌های تئاتر، بازیگری، پادکست و داستان‌نویسی نیز فعالیت دارد. کسب مقام اول پادکست استان در پویش «شهید جمهور ۱» در سال ۱۴۰۳، مقام اول دانش‌آموزی داستان‌نویسی استان در سال ۱۴۰۳، قرار گرفتن بین نفقات برگزیده تولید پادکست در مسابقات کشوری در نجف (سال ۱۴۰۳)، و حضور به عنوان داور این مسابقات در سال ۱۴۰۳، مقام اول تئاتر صحنه‌ای در سیزدهمین جشنواره نوجوان سالم و یاریگران زندگی و کسب رتبه برتر مسابقات خوارزمی در رشته نمایش صحنه‌ای در سال ۱۴۰۳، بعضی از موفقیت‌های پرنیاست.

● بین فعالیت‌هایی که داری، به کدام یک، بیشتر علاقه‌مند هستی؟

بازیگری تئاتر.

● از سختی‌های کار اجرا تعریف کن.

وقتی مقابل دوربین هستی، فقط باید حس و حال آن برنامه را به بیننده‌ها منتقل کنی، در حالی که خیلی وقت‌ها ممکن است خودت چنین حالی نداشته باشی. حتی بعضی وقت‌ها پیش می‌آید که در یک روز چند اجرا با حس‌های کاملاً متفاوت دارم.



با همت اداره عمران و حمل‌ونقل شهرداری منطقه ۹ و پیگیری شهرآرامحله انجام شد

مهار سرعت ماشین‌ها در لادن ۲۸



ریاحی ۵۱ شهریور امسال بود که در شهرآرامحله، گزارشی درباره پیچ خطرناک و ۹۰ درجه خیابان لادن ۲۸ به معبر شهید فکوری ۳ منتشر کردیم؛ تقاطعی که منجر به تصادفات زیادی در این خیابان شده بود. حالیکه ماه بعد از انتشار این گزارش و با نصب گل‌میخ در سرتاسر این خیابان، اوضاع و احوال ترافیکی خیابان لادن ۲۸ بهتر شده است.

رئیس اداره عمران و حمل‌ونقل شهرداری منطقه ۹ در این باره می‌گوید: نصب گل‌میخ در سرتاسر خیابان لادن ۲۸ و محل تلاقی آن با معبر فکوری ۳ انجام شده است، بدین ترتیب خودروها به محض ورود به معبر لادن ۲۸، مسیر جداگانه‌ای دارند و امکان تردد در لاین مقابل برایشان فراهم نیست، مگر اینکه بخواهند از روی گل‌میخ‌ها عبور کنند. سیدهادی صالحی ادامه می‌دهد: باتوجه به تعداد رفت و آمد خودروها در این خیابان، نصب گل‌میخ کافی است و فعلاً نیازی به سرعت‌گیر وجود ندارد.

سیدکمال احمدپور، یکی از اهالی که پیش‌تر با او گفت‌وگو کرده بودیم، به ما می‌گوید: از وقتی این گل‌میخ‌ها نصب شده، حرکت خودروها منظم‌تر است؛ هرچند هنوز هم تک‌تک خودروهایی هستند که با سرعت زیاد از معبر فکوری ۳ به خیابان لادن ۲۸ و برعکس تردد می‌کنند، فکر می‌کنم اگر دوبار از روی گل‌میخ‌ها رد شوند و صدای جلوبندی ماشینشان در بیاید، رعایت می‌کنند.

«دنیای هنر» و آموزش در دلاوران ۷



رضاریاحی اکوچه دلاوران ۷ در محله سرافرازان به نام شهید حق شناس مزین شده است. این معبر تا سال ۱۳۷۰ جزو محدوده شهری نبود و پس از آن به تدریج وارد بافت شهر شده است. کوچه شهید حق شناس به خاطر هم‌جواری بابوستان وفا، حال و هوای خوبی دارد و اهالی آن می‌توانند از امکانات متنوع این پارک محلی استفاده کنند. بسیاری از کاربری‌های تجاری این معبر مانند شرکت‌های بیمه، دفاتر مهندسی و نقشه‌کشی و... تحت تأثیر سازمان همیاری شهرداری‌های استان خراسان رضوی است که در ابتدای این معبر قرار دارد.

کوچه دلاوران ۷
محله سرافرازان



سازمان همیاری شهرداری‌های استان خراسان رضوی از سال ۱۳۶۹ با هدف کمک به خودکفایی شهرداری‌های استان در کوچه دلاوران ۷ تأسیس شده است و در تأمین نیازمندی‌های شهری و تأسیسات مورد نیاز آن‌ها فعالیت دارد.



مرکز آموزش علمی و کاربردی سازمان همیاری شهرداری‌های استان نبش خیابان شهید حق شناس قرار دارد. امداد و نجات شهری، کارشناسی امور محله، ایمنی و حفاظت ساختمان، ایمنی مترو، برق مترو، راهبری لوکوموتیو، شهرسازی، معماری و... از جمله رشته‌های آموزشی این مرکز است.



هنرستان دنیای هنر سال ۱۳۹۳ در فرعی حق شناس ۲ بنا شده است. این مدرسه به دانش‌آموزان کاردانش در رشته‌های تعمیر موتور و برق خودرو، حسابداری مالی، طراحی و توسعه صفحات وب، گرافیک رایانه‌ای و معماری داخلی خدمات آموزشی ارائه می‌کند.